

تحلیل محتوای کتاب خوانداری سوم ابتدایی با تکنیک ادوارد فرای

حسن کوهی

کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی hassan.hoochi1363@gmail.com

چکیده

هدف از این مطالعه، ارزیابی، سنجش خوانایی کتاب خوانداری پایه سوم ابتدایی براساس شاخص فرای و دسترسی به میزان پایبندی محتوای آن به رعایت اصول برنامه ریزی است. روش تحلیل محتوا از روش های توصیفی می باشد و شاخص ارزیابی در این پژوهش فرای می باشد. جامعه ی مورد مطالعه در این پژوهش، کتاب خوانداری پایه ی سوم بوده و برای هر شاخص سه نمونه از ابتدا، وسط و انتهای کتاب به عنوان نمونه، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. برای اجرای روش فرای سه نمونه ۱۰۰ کلمه ای از ابتدا، وسط و انتهای کتاب انتخاب شد. نتایج حاصل از تحلیل آن نشان داد که اصل ساده به دشوار در تنظیم محتوای کتاب رعایت شده است اما قدرت خوانایی و سطح کلاسی نسبت به کلاس سوم تناسب ندارد.

کلید واژه ها: تحلیل محتوا، خوانداری، پایه ی سوم، قدرت خوانایی

مقدمه

سالانه چندین عنوان کتاب درسی، توسط آموزش و پرورش برای استفاده کودکان، نوجوانان و جوانان این مرز و بوم پس از طراحی، تدوین، تغییر و اصلاح منتشر میشود که در فرایند تولید و انتشار آن ها از معیارهای مختلفی استفاده می شود اما به نظر می رسد اغلب این معیارها کیفی و کلی بوده و از شفافیت کافی برخوردار نیستند. تعدادی از این نوشته ها توسط معلمان باتجربه و تعدادی دیگر به وسیله نویسندگان معتبر که تحصیلات و تخصص و مهارت نظری و فنی دارند نگارش می شود. در این بین پرسش اساسی این است که در تدوین آن ها از چه معیارهایی می توان استفاده کرد؟ و چگونه می توان این معیارها را کمی کرده و قضاوت در مورد محتواها را عینی کرد و پشتوانه تغییرات و تجدید نظرها با این همه هزینه مستقیم و غیر مستقیم را مبتنی بر یافته های عینی و واقعی تحقیقات قرار داد؟

همچنین باید دانست که انسان با تربیت معنی پیدا می کند و پیشرفت ها و دست آوردهای او محصول و مرهون تربیت است. به قول کانت^۱: «بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی جز چیزی از آنچه تربیت از او می سازد نیست» (کانت، ترجمه شکوهی، ۱۳۶۸). در این ارتباط، تربیت تجربی از اهمیت اساسی برای نظام تعلیم و تربیت هر کشور برخوردار است و ایجاب می کند که طرز تلقی ما نسبت به جهان، انسان، علم، یادگیری و شیوه های آن و سایر عناصر مربوط به تعلیم و تربیت تغییر کرده و دوباره توصیف شود. تعلیم و تربیت به علت ارتباط متقابل و عمیقی که با حوزه های مختلف معرفت و ارکان زندگی بشر دارد ناگزیر از تأثیر است و باید مطابق با تحولات جامعه، تجدید ساختار یافته تا بتواند پاسخگوی نیازها و خواست های افراد جامعه بوده و جامعه را در جهت تعالی سوق دهد (عطاران، ۱۳۸۳).

از این رو باید در نظر داشت که دوره ی ابتدایی از دوران حساس و مهم در تعلیم و تربیت و به خصوص در شکل گیری شخصیت تجربی دانش آموزان است. آموزش خوانداری در دوره ی ابتدایی از اهمیت زیادی برخوردار است و نباید فراموش کرد که کودکان در این دوره در مرحله عملیات عینی قرار دارند؛ از این رو مسائل عینی و ملموس که مرتبط با موضوع زندگی فردی و تجربی او است، سریع و قابل فهم تر می باشد (چیت ساز، ۱۳۸۹).

بنابراین تربیت به عنوان یک ضرورت نظام آموزشی از یک سو و جایگاه مبهم آن در برنامه ی درسی و محتوای آموزشی از سوی دیگر نیاز به پژوهش در این زمینه را ضروری می سازد. یادگیری در این دوران از حساسیت ویژه ای برخوردار است. زیرا این امر بر ساخت شخصیت فرد هم از نظر علمی و هم از نظر کیفی تأثیر دارد و یادگیری های این دوره، مقدمه ای برای دستیابی به ظرفیت های بعدی

^۱ - kant